



بگذارید

دانشگاه «شریف» بماند

مروری بر خواشی ایجادشده از سوی برخی افراد در یکی از مهم‌ترین دانشگاه‌های کشور

۱۰



ترمز اخبار جعلی فضای مجازی کشیده می‌شود؟

مرکز پژوهش‌ها در گزارشی، ابعاد مسئله اخبار جعلی در فضای مجازی را بررسی کرد

۱۱



تهران، شهر خاکستری با هویت دوست‌داشتنی

تعدادی از شهروندان، تهران را از نگاه خود روایت می‌کنند

۱۲

همیشه یکی جامعه



روزگار «زال‌ها» سپید نیست

بسیاری از خانواده‌های ایرانی وقتی به کمک آزمایش‌های پزشکی از زال‌بودن فرزند خود مطلع می‌شوند به آن به چشم یک بحران در زندگی نگاه می‌کنند

گزارش

فاطمه‌عسگری‌نیا

روزنامه‌نگار

روزگار زال‌ها یا آل‌بیتوها که در میان مردم سیستان و بلوچستان به اسبی سرها شهرت دارند خیلی مانند رنگ مو و پوست تشنان سپید نیست بلکه گاه در میان مشکلات و مسائل متعددی که پیشش رو دارند حتی سیاه هم می‌شود.

البته این افراد بیشتر در جامعه به‌عنوان زال شناخته می‌شوند، زالی یا آل‌بیتسیم نوعی بیماری ژنتیک از نوع اتوزومی مغلوب است که مادرزادی بوده و بدن فرد توانایی تولید رنگدانه ملانین را ندارد، به‌خاطر همین اغلب این افراد پوستی سفید دارند. گرچه تا به حال ۷نوع زالی در دنیا شناخته شده است در شایع‌ترین نوع آن بیمار پوستی روشن به همراه اندکی ملانین، رنگ موی بین طلایی تا قرمز تیره دارد و رنگ چشم هایشان هم اغلب روشن است.

حسام یکی از این افراد است که چندسالی است از استان سیستان و بلوچستان به نیت کار و زندگی بهتر راهی تهران شده است. او در یکی از محله‌های قدیمی تهران مغازه رده وارد مغازه کوچک و در هم برهمش می‌شویم. وقتی صدایش می‌زنیم از پشت اجناس کنارشده روی هم خود را به پشت دخل می‌رانند. قاب عینک قهوه‌ای رنگ روی صورت سفید از موی سر و چشم و ابرو، در نگاه نخست، تصویر پیرمردی را کلیشه می‌کند برای چشم و ذهن که سعی می‌کند از پشت قاب عینک کانوچویی‌اش به مستری خوشامد بگوید. سرصحت‌را که در باره موضوع زال‌ها باز می‌کنیم سسری تکان می‌دهد و می‌گوید: حکایت ما هم حکایت زال شاهنامه است که بی‌خبر از رنگ مو در دل کوه رها شد. گویا از میراث زال و شاهزادگی‌اش باید فقط همین طردشدن از سوی دیگران به ما می‌رسید.»

۴۵ساله است اما می‌گوید از کودکی تا به امروز زالی برای من مانند آینه دقی شده است که اجازه نمی‌دهد مانند همه آدم‌ها راحت و آسوده زندگی کنیم. نگاهی غم‌انگیز به مغازه کوچک و به هم ریخته‌اش می‌اندازد می‌می‌گوید: «دوبار در آزمون استخدامی قبول شدم اما به‌خاطر همین موضوع درگز بنش رد شدم. و مجبور شدم برای کار به تهران بیایم.» از جمعیت زیاد زال‌ها در سیستان و بلوچستان برایمان می‌گوید: «آنها اغلب گروهی زندگی می‌کنند. مردم نگاه خوبی به این افراد ندارند. آنها اغلب در محله‌های جنگی زهی و قلندر زهی زندگی می‌کنند.»

با رنگ رخسار ما را می‌سنجند

ظاهران هیچ نقمی ندارد اما انگار همین

آمار دقیقی از تعداد زال‌های ایرانی وجود ندارد اما آنتور که سازمان ملی آل‌بیتسیم آمریکا در پایگاه خبری خود نوشته، از هر ۱۷هزار نفر در آمریکا، یک نفر مبتلا به آل‌بیتسیم است که این عدد برای کل دنیا به یک نفر به ازای هر ۳ هزار نفر می‌رسد. حداقل ۲۶هزار ایرانی آل‌بیتو وجود دارد و با فرض وضع مشابه ایران و آمریکا در این زمینه، حداقل ۵هزار نفر در ایران آل‌بیتسیم دارند که هیچ شناختی از آنها وجود ندارد و کمکی برای توانمندسازی آنها انجام نمی‌شود

رنگ و لعاب چهره‌مان محک خیلی‌ها برای سنجنیدن توانایی ماست. این حرف‌ها را نریمان می‌زند؛ جوان ۲۳ساله‌ای که از خبره‌های کامپیوتر و برنامه‌نویسی است و برای اثبات خود و توانایی هایش حسابی زحمت کشیده است. او می‌گوید: «درست است ظاهرمان از هر گونه نقص جسمی تهی است اما مردم خیلی راحت ما را به سپید مویی محکوم کرده و خیلی از فرصت‌های شغلی را از ما می‌گیرند. من بارها و بارها این سختی‌ها را تجربه کردم اما هیچ وقت از پانشتستم و همیشه تلاش کردم با نمایش توانایی‌ها و استعدادهایم به جامعه ثابت کنم ما هم مانند همه مردم عادی جامعه و چه بسا در مواقعی بهتر می‌توانیم فعالیت‌های اجتماعی داشته باشیم.»

به اعتقاد نریمان غربت زال‌ها در جامعه امروز آنها را با چالش‌های بسیار روبه‌رو کرده است. او می‌گوید: «از یک طرف ما را بیمار و معلول .. می‌نامند از طرفی هیچ سازمان و دستگاه حمایتگری حاضر نیست ما را تحت پوشش خود قرار دهد تا در سایه این حمایت‌ها بتوانیم برای زندگی خود برنامه‌ریزی کنیم.»

زندگی پررنج دختران آل‌بیتو
چالش‌های زندگی آل‌بیتوها تنها مختص مردان نیست بلکه دختران آل‌بیتویی هم درسرهای خود را دارند. کسانیکه معتقدند هرچه محیط زندگی‌شان کوچک‌تر باشد درسرهایشان با مردم بزرگ‌تر است. انسبه جلال محمدی، دانشجوی رشته مدیریت بازرگانی است که از کرمانشاه برای تحصیل به تهران آمده است: «در منطقه خودمان که کوچک‌تر بود واقعا شرایط محدودتر بود. ما با چالش‌های بسیار روبه‌رو کرده‌ایم. مردم نگاه خوبی به ما ندارند و ما را بیمار و معلول می‌دانند. من باها و بارها این سختی‌ها را تجربه کردم اما هیچ وقت از پانشتستم و همیشه تلاش کردم با نمایش توانایی‌ها و استعدادهایم به جامعه ثابت کنم ما هم مانند همه مردم عادی جامعه و چه بسا در مواقعی بهتر می‌توانیم فعالیت‌های اجتماعی داشته باشیم.»

به اعتقاد نریمان غربت زال‌ها در جامعه امروز آنها را با چالش‌های بسیار روبه‌رو کرده است. او می‌گوید: «از یک طرف ما را بیمار و معلول .. می‌نامند از طرفی هیچ سازمان و دستگاه حمایتگری حاضر نیست ما را تحت پوشش خود قرار دهد تا در سایه این حمایت‌ها بتوانیم برای زندگی خود برنامه‌ریزی کنیم.»

زندگی برای من و امثال من بسیار سخت بود. هیچ وقت فراموش نمی‌کنم روزهای مدرسه و دیواری که بین من و دانش‌آموزان وجود داشت متأسفانه هیچ فرهنگی هم در میان اولیای مدرسه وجود نداشت که درباره این تفاوت‌ها با بچه‌ها صحبت کنند خیلی‌ها از نشستن کنار من و یا حرف زدن با من هم می‌ترسیدند. هر چه بزرگ‌تر شدم شرایط کمی بهتر شد اما جامعه هیچ وقت نتوانست ما را با توانایی‌ها و استعدادهایمان بپذیرد.» به گفته او کسبی با مشکلات آل‌بیتوها آشنا نیست؛ نه از بینایی ضعیفشان خبر دارند نه از پوست شکنندشان در برابر آفتاب و اینها مسائلی است که برای بچه‌های آل‌بیتو در مدارس درس‌ساز می‌شود و هیچ کس هم آنها را درک نمی‌کند. چه بسا گاهی به‌خاطر خوب ندیدن تخته، جاماندن از تکلیف معلم و فعالیت کم زیر برق آفتاب در مدرسه از سوی اولیای مدرسه تنبیه هم می‌شوند.

او از مشکلات پیش روی دختران زال در روستاها و مناطق کم‌برخوردار دختران مبتلا به آل‌بیتو هیچ شانس‌ی برای ازدواج با جوان‌های هم‌سن و سال خودش‌ان ندارد. در خوش‌بینانه‌ترین حالت با زن پیرمرد جماعت می‌شوند یا به‌عنوان همسر دوم و سوم راهی خانه بخت می‌شوند. «والدین نقش مهمی در پذیرش اجتماعی دارند.

سجاد ضیایی پدر یک پسر و دختر آل‌بیتویی است؛ دوقلوهایی که تولدشان همه را شگفت زده کرد. او می‌گوید؛ من فقط تفاوت فرزندانم را در رنگ مو و پوستشان با دیگران دیدم و از همان ابتدا شروع به مطالعه درباره این بچه‌ها و ویژگی‌هایشان کردم. انگار پنجره‌هایی از ناشناخته‌ها به رویم باز شده بود. دوست داشتم هم‌سن و سال‌هایشان را پیدا کنم اما تعدادشان خیلی در کشور ما محدود است.

او با اظهار تأسف از نوع نگاه جامعه به آل‌بیتوها می‌گوید: «متأسفانه این بچه‌ها حتی در کسبی خانواده‌های خود هم غریب هستند و بی‌شناختی نسبت به آنها ندارد. این در حالی است که تجربه ثابت کرده بچه‌های آل‌بیتویی که مورد حمایت قرار گرفت‌اند شگفتی‌های بزرگی را در عرصه‌های علمی خلق کرده‌اند.

غربت آل‌بیتوها

سمیه رستم‌پور مردم‌شناس مطالعات زیادی درباره زندگی آل‌بیتوها در جامعه ایران کرده و معتقد است متأسفانه در کشور ما نیز همانند خیلی از کشورهای دیگر هنوز مردم آل‌بیتوها را خوب نمی‌شناسند. به‌خاطر همین آل‌بیتوها با مشکلات زیادی در حوزه زندگی اجتماعی روبه‌رو هستند و این مشکلات از بدو تولد

رستمی: تا زمانی که جامعه افراد مبتلا به آل‌بیتسیم را معلول و قانون آنها را سالم می‌داند این قشر نمی‌توانند بدون دغدغه در جامعه زندگی کنند؛ چندسال پیش قانون جامع حمایت از حقوق معلولان در ایران به تصویب رسید . گرچه خیلی از آل‌بیتسیم‌ها امیدوار بودند معجزه‌ای در این قانون رخ دهد و حق و حقوقی قانونی برای آنها تعریف شود اما در این قانون ۱۶ ماده‌ای هیچ اشاره‌ای به افراد مبتلا به آل‌بیتو و حقوق آنها اشاره نشده است

شروع می‌شود و تا سن پیری ادامه دارد.» متأسفانه عده زیادی از بچه‌های آل‌بیتو نخستین ضربه را از خانواده خود می‌خورند؛ وقتی به بهانه سپیدی موی سر و صورتشان از حضور در جمع‌های خانوادگی منع می‌شوند و این باعث گوشه‌گیری و فرار آنها از جامعه می‌شود. «به گفته او وقتی کودک از ابتدا به‌دلیل تفاوتی که بین خود و سایر همسالان می‌بیند، از جامعه دور می‌شود دیگر نمی‌تواند اعتماد به نفس خود را برای حضور در جامعه بزرگ‌تر که مدرسه باشد حفظ کند. بنابراین به محض ورود به مدرسه شروع به کشیدن دیوار دفاعی بین خودو همسالان کرده و از این طریق به‌دنبال تأمین امنیت برای خود است. موضوعی که باعث می‌شود با کوچک‌ترین برخورد، حرف و حرکتی ادامه تحصیل برای این بچه‌ها ناممکن شود.

نه معلولیم نه سالم!

به اعتقاد رستمی تا زمانی که جامعه افراد مبتلا به آل‌بیتسیم را معلول و قانون آنها را سالم می‌داند این قشر نمی‌توانند بدون دغدغه در جامعه زندگی کنند: «چندسال پیش قانون جامع حمایت از حقوق معلولان در ایران به تصویب رسید گرچه خیلی از آل‌بیتسیم‌ها امیدوار بودند معجزه‌ای در این قانون رخ دهد و حق و حقوقی قانونی برای آنها تعریف شود اما در این قانون ۱۶ ماده‌ای هیچ اشاره‌ای به افراد مبتلا به آل‌بیتو و حقوق آنها اشاره نشده است.»

امنیت روانی ندارد

حسین ملک محمدی روانشناس هم می‌گوید: متأسفانه افراد مبتلا به آل‌بیتسیم به‌دلیل

مشکلاتی که پیش رو دارند نمی‌توانند از امنیت روان کامل برخوردار باشند، به‌خاطر همین نگرانی‌ها و دغدغه‌ها یسا از جامعه فاصله می‌گیرند یا با تلاش زیاد و خارج از ظرفیت می‌خواهند خود را به همه ثابت کنند؛ موضوعی که به‌شدت سلامت روان آنها را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد.

آل‌بیتسیم‌ها باید مانند همه مردم جامعه از زندگی آرام و «حقوق کامل شهروندی برخوردار باشند و کسی حق ندارد از قضاوت بیجان نسبت به جدا کردن این گروه از جامعه اقدام کند.» ملک محمدی بسا تأکید بر این مهم ادامه می‌دهد: «جامعه آل‌بیتوها امروز نیازمند تشکل‌های مردم‌نهادی هستند که به‌صورت داوطلبانه برای معرفی این قشر به مردم تلاش می‌کنند؛ «و تأکید می‌کند: می‌تواند افراد آل‌بیتو را از انزوا خارج کنند. ما جوانان زیادی داریم که به‌خاطر ابتلا به آل‌بیتو و شرایط فرهنگی نامناسبی که در جامعه حکمفرماست جرأت حضور در جامعه را ندارند. ما نیاز به تشکل‌های مردم نهادی داریم که با فرهنگ‌سازی مناسب و کاهش

استرس و ترس این بچه‌ها آنها را برای حضور در جامعه آماده کنند.» او تأکید می‌کند: «والدین باید به فرزند آل‌بیتوی خود یاد دهند که خودش را همبطنور که هست، بپذیرد و دوست داشته باشد و با تلاش و کوشش، معلومات و توانمندی‌های بالقوه خود در جامعه و بدون جلب ارفساق و ترحم دیگران، موفق عمل کند.» آمار دقیقی از تعداد زال‌های ایرانی وجود ندارد اما آنتور که سازمان ملی آل‌بیتسیم آمریکا در پایگاه خبری خود نوشته، از هر ۱۷هزار نفر در آمریکا، یکنفر مبتلا به آل‌بیتسیم است که این عدد برای کل دنیا به یکنفر به ازای هر ۳هزار نفر می‌رسد. اگر معیار عدد در نظر گرفته‌شده برای دنیا لحاظ شود، حداقل ۲۶هزار ایرانی آل‌بیتو وجود دارد که در کمترین حالت و با فرض وضع مشابه ایران و آمریکا در این زمینه، حداقل ۵هزار نفر در ایران آل‌بیتیمی دارند که هیچ شناختی از آنها وجود ندارد و کمکی برای توانمندسازی آنها انجام نمی‌شود. تعداد زال‌های ایرانی در استان‌های مختلف هم متفاوت است و استان محروم سیستان وبلوچستان یکی از مناطق کمشور با درصد افراد زال فراوان است. کاهش بینایی افراد آل‌بیتسیم به مرور زمان و حتی نابینا شدن آنها ضروری می‌سازد که سازمان بهزیستی نسبت به حمایت‌های درمانی این افراد وارد میدان شود. ملک محمدی ادامه می‌دهد: تعداد قابل توجهی از افراد مبتلا به آل‌بیتسیم بیکار هستند و توانایی درمان‌های گران‌قیمت چشم پزشکی را ندارند که در سایه حمایت‌های بیمه‌ای و درمانی سازمان بهزیستی می‌توانند به آرامشی در این زمینه دست یابند.

خلاصه گزارش

زالی یا آل‌بیتسیم یک بیماری ژنتیکی است که در آن عدم تولید رنگدانه ملانین موجب سپیدی پوست و موی فرد می‌شود.

زالی یا آل‌بیتسیم یک بیماری ژنتیکی است که در آن عدم تولید رنگدانه ملانین موجب سپیدی پوست و موی فرد می‌شود.

زالی یا آل‌بیتسیم یک بیماری ژنتیکی است که در آن عدم تولید رنگدانه ملانین موجب سپیدی پوست و موی فرد می‌شود.

آل‌بیتوها هیچ تفاوتی از لحاظ نوع توانایی‌ها، استعداد و هوش با افراد دیگر ندارند فقط تفاوت‌های ظاهری‌شان با عمت شده تا در جامعه متفاوت‌تر به چشم بیایند . آنها جز مشکلات بینایی و مشکل با نور شدید تقریبا مشکل جسمی دیگری ندارند و آنچه آنها را آزار می‌دهد عدم آگاهی و برخوردهای نامناسب در اجتماع است.

آل‌بیتوها هیچ تفاوتی از لحاظ نوع توانایی‌ها، استعداد و هوش با افراد دیگر ندارند و آنچه آنها را آزار می‌دهد عدم آگاهی و برخوردهای نامناسب در اجتماع است.

آل‌بیتوها هیچ تفاوتی از لحاظ نوع توانایی‌ها، استعداد و هوش با افراد دیگر ندارند و آنچه آنها را آزار می‌دهد عدم آگاهی و برخوردهای نامناسب در اجتماع است.

آل‌بیتوها هیچ تفاوتی از لحاظ نوع توانایی‌ها، استعداد و هوش با افراد دیگر ندارند و آنچه آنها را آزار می‌دهد عدم آگاهی و برخوردهای نامناسب در اجتماع است.

آل‌بیتوها هیچ تفاوتی از لحاظ نوع توانایی‌ها، استعداد و هوش با افراد دیگر ندارند و آنچه آنها را آزار می‌دهد عدم آگاهی و برخوردهای نامناسب در اجتماع است.

آل‌بیتوها هیچ تفاوتی از لحاظ نوع توانایی‌ها، استعداد و هوش با افراد دیگر ندارند و آنچه آنها را آزار می‌دهد عدم آگاهی و برخوردهای نامناسب در اجتماع است.

آل‌بیتوها هیچ تفاوتی از لحاظ نوع توانایی‌ها، استعداد و هوش با افراد دیگر ندارند و آنچه آنها را آزار می‌دهد عدم آگاهی و برخوردهای نامناسب در اجتماع است.

آل‌بیتوها هیچ تفاوتی از لحاظ نوع توانایی‌ها، استعداد و هوش با افراد دیگر ندارند و آنچه آنها را آزار می‌دهد عدم آگاهی و برخوردهای نامناسب در اجتماع است.

آل‌بیتوها هیچ تفاوتی از لحاظ نوع توانایی‌ها، استعداد و هوش با افراد دیگر ندارند و آنچه آنها را آزار می‌دهد عدم آگاهی و برخوردهای نامناسب در اجتماع است.

آل‌بیتوها هیچ تفاوتی از لحاظ نوع توانایی‌ها، استعداد و هوش با افراد دیگر ندارند و آنچه آنها را آزار می‌دهد عدم آگاهی و برخوردهای نامناسب در اجتماع است.

مهلا در بیان یادداشت

روزنامه‌نگار

کیست هیداتید؛ بحران جدید سگ‌های ولگرد

هیچ روز و هفته‌ای نیست که فردی برای انجام عمل برداشتن کیست هیداتید به بیمارستان مراجعه نکند؛ این بیماری به بحرانی تبدیل شده که خیلی سر و صدایی ندارد

موضوع حیوانات شهری و به‌ویژه سگ‌ها در ایران، در سال‌های اخیر به معضلی جدی تبدیل شده است. این چالش‌ست که همه کشورهای جهان را درگیر خود کرده است. تعدادی از این کشورها با پژوهش‌های میدانی و تجربی توانسته‌اند به نتایجی دست پیدا کنند.البته این دستاورد‌ها نشان می‌دهند که کشتار سگ‌ها به هیچ‌عنوان راه‌حل مناسبی برای کاهش جمعیت سگ‌ها نیست. به این دلیل که هنوز سگ‌های دارای قابلیت تولیدمثل در منطقه وجود دارند و با تولیدمثل سریع سبب می‌شوند که جمعیت حذف‌شده با روش کشتار، جایگزین شوند. د کتر مجید قصبیحی هر ندی، سر پرست مرکز تحقیقات بیماری‌های هیداتید در ساره معضل سگ‌های ولگرد می‌گوید: اینکه می‌گویند سگ همان سگ است و باید جمع‌شان کنیم و ببریم؛ مگر سگ نخاله ساختمانی است؟ ما نمی‌توانیم و نباید سگ‌ها را به‌طور کامل از بین ببریم و تاکنون تنها نواسته‌ایم وپروس آبله را از بین ببریم که سگ به نابودی کامل آن هم شک داریم. اکنون هنوز جمعیت سگ‌های بدون صاحب آنقدر بحرانی نشده و نباید ناامید باشیم ولی باید یک نظام مدیریتی محکم و با پشتوانه ایجاد کنیم که بتوانیم کار را کنترل کنیم. متأسفانه تضاد منافع در بخش مدیریت جمعیت سگ‌ها وجود دارد و این موضوع باید با شفافیت کامل پیگیری شود و همه‌نهاد‌های ذی‌نفع پاسخگو باشند.

او با اشاره به برنامه‌های بی‌نتیجه عقیم‌سازی در ایران می‌گوید: عقیم‌سازی و رهاسازی در یک پروسه غلط انجام می‌شود یعنی باید

سگ را پس از واکسیناسیون و عقیم‌سازی به همان جایی که آن را گرفتیم، بر گردانیم که این کار در ایران انجام نمی‌شود. متأسفانه بعضی‌ها کاری که آسان است را انجام می‌دهند و برخی‌ها هم بدشان نمی‌آید که بگویند ما کاری انجام داده‌ایم و این تعداد سگ را عقیم کردیم. کسی هم نمی‌پرسد چه تعداد از سگ‌ها سگ نر و چه تعدادشان ماده است. تمرکز باید روی عقیم‌سازی سگ‌های ماده و به‌ویژه ماده‌های جوان باشد؛ البته عقیم‌سازی سگ‌های نر هم باعث کاهش خشونت و پرخاشگری‌شان می‌شود ولی اولویت باید عقیم‌سازی سگ‌های ماده باشد.

یک اراده سیاسی باید در کار باشد. تا این شیوه را پیش نگیریم کاری از پیش نمی‌بریم. او با اشاره به استقرار نظام ریت برای کنترل جمعیت سگ‌ها می‌گوید: این یک کار حاکمیتی است و باید همه دست‌به‌دست هم بدهند و این نظام را ایجاد کنند. این نظام از کانی هم دارد که از ۳ن اصلی آن قانونگذاری و تیم‌های اجرایی است؛ بحث بعدی حمایت سیاسی مسئولان مهم‌ترین بخش‌های این نظام است، می‌باشد اگر هر چه سریع‌تر این نظام شکل نگیرد عواقب عدم بهداشت و سلامت گریبان‌گیر مردم می‌شود.

همین چند وقت پیش بود که سگ‌گردی‌ای رخ داد که کودکانی قربانی شدند اما تنها وقتی بحرانی ایجاد می‌شود همه به تکاپو می‌افتند و چندی بعد دوباره همه چیز به‌دست فراموشی سپرده می‌شود. پس اگر مداخله‌ای صورت نگیرد در درجه‌اول مشکلات سلامت گریبان‌گیر انسان و حیوان می‌شود. اکنون بیماری کیست هیداتید افزایش پیدا کرده است.

بیماری هساری هم موضوع مهم و خطرناکی است و اگر مدیریت نشود، به‌زودی همه بشیمان خواهیم شد. ما توجه به تحقیق و پژوهشی که در کرمان در مورد سگ‌ها انجام شده مشخص شده است که اگر به‌مدت ۵سال انسان برای کنترل جمعیت سگ‌ها مداخله نکند جمعیت آنها ۲برابر می‌شود. هم‌اکنون در شهر‌های با الای ۷۰تا ۸۰درصد شکایات‌های مردم درباره سگ‌های بدون صاحب است.

پس باید قبل از اینکه بحران رخ بدهد به فکر باشیم. ممکن است جاهای کوچکی هم بحران داشته باشیم و سر و صدایی هم نشود ولی نباید احساس کنیم چون بعضی بیماری‌ها سر و صدایی ندارند و خیلی هم جلب توجه رسانه‌ها را نمی‌کنند، پس نیاز به توجه ویژه ندارد. به‌طور مثال کیست هیداتید یک بیماری مزمن است.

این بیماری بین سگ و گوسفند منتقل می‌شود و سپس در انسان هم یک کیست در کبد و ریه‌اش ایجاد می‌کند. در صورت بروز این بیماری در انسان، کیست باید با عمل جراحی برداشته شود. شاید آماری از بروز این بیماری وجود نداشته باشد ولی هیچ هفته و روزی نیست که در بیمارستان‌ها کسی به‌خاطر این کیست مورد عمل جراحی قرار نگیرد. این بیماری رو به گسترش است، اما فقط چون سر و صدای بیماری هاری زیاد است، کسی متوجه این بیماری نمی‌شود که اکنون سلامت مردم و جامعه را نشانه گرفته است.



فیلم گزارش را با اسکن این کد ببینید